

#### یادداشت

### تعهد در عصر بی‌تعهدی



حامد نفی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

واشینگتن در دو پرونده جداگانه چارچوب را ترک کرده، اما تهران در هر دو مورد متعهد به چارچوب مانده است. این رفتار، نه واکنش لحظه‌ای است و نه محصول شرایط، بلکه یک روش است؛ روشی که تهران طی سال‌ها آن را به عنوان ستون ثابت سیاست خارجی خود نگه داشته. پرسش اصلی اینجاست: چرا تهران چارچوب «پایبندی به مذاکره» را حفظ می‌کند، حتی زمانی که طرف مقابل آن را کنار گذاشته؟ اعتبار، نخستین پاسخ است. تهران در پرونده هسته‌ای بیش از هر چیز یک گزاره را تثبیت می‌کند: «ایران قابل پیش‌بینی است». این گزاره، ابزار است، ابزاری برای خنثی‌کردن خود را در قالب واکنش به رفتار ایران توجیه‌پذیر کند. اما وقتی آمریکا خارج می‌شود و ایران می‌ماند، صحنه برعکس می‌شود. تهران در موقعیت بالاتر قرار می‌گیرد و واشینگتن در موقعیت طرفی که تعهد را ترک کرده. این موقعیت، در دیپلماسی وزن دارد؛ وزنی برای ساختن اجماع جهانی علیه رفتار آمریکا.

فشار، محور دوم است. تهران تجربه خروج نخست آمریکا را در حافظه راهبردی خود دارد. آن خروج، فشار اقتصادی شدید و تحریم‌های گسترده را به دنبال داشت. اما تهران از دل همان فشار، یک درس استخراج کرد که همان خروج هم‌زمان ایران، فشار را چند برابر می‌کرد. زیرا در آن صورت، آمریکا می‌توانست ادعا کند ایران مسیر تحت نظارت ان‌پی‌تی هسته‌ای را رها کرده و به سمت برنامه غیرقابل کنترل می‌رود. این ادعا، زمینه اجماع‌سازی علیه ایران را فراهم‌م می‌کرد. اما وقتی ایران در توافق می‌ماند، حتی با کاهش تعهدات، همچنان در چارچوب حقوقی برجام حرکت می‌کند و این چارچوب، سپری در برابر اجماع‌سازی است. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز اگرچه موقتی بود، اما ماندن ایران در چارچوب آن، همین مسیر را فعال نگه داشت. زمان، محور سوم است. تهران زمان را واگذار نمی‌کند. خروج آمریکا از توافق، اگر با واکنش سریع ایران همراه می‌شد، ابتکار عمل را به واشینگتن می‌داد. اما ماندن ایران در توافق، حتی پس از اعلام پایان تفاهم، ابتکار عمل را در دست تهران نگه می‌دارد. ایران می‌تواند زمان را بکشد، فشار را مدیریت کند و در لحظه مناسب، سطح واکنش را تنظیم کند. این الگو در دوره نخست ترامپ فعال شد و اکنون نیز با تجربه بیشتر ادامه یافته. با این حال، تهران می‌داند مدیریت زمان، هرچند مؤثر است اما هزینه‌های فرسایشی نیز دارد؛ هزینه‌هایی که در سطح داخلی قابل مشاهده‌اند.

اما محور ژرف‌تر، آغازگری است. آمریکا دو بار نقش آغازگر را ایفا کرده و تهران این نقش را به طور کامل بر دوش واشینگتن گذاشته. این رفتار از جنس انفعال نبوده، بلکه از جنس مدیریت صحنه است؛ مدیریت برای جلوگیری از مشروعیت‌یافتن فشارهای جدید. در کنار این محورها، یک نکته دیگر نیز وجود دارد؛ ثبت رفتار آمریکا در حافظه جهانی. تهران می‌داند واشینگتن در پرونده ایران، بازگرایی غیرقابل اعتماد است. خروج نخست ترامپ از برجام، این گزاره را تثبیت کرد. اعلام پایان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پس از جنگ رمضان، آن را مجدد تأیید کرد. تهران با پایبندی به توافق حتی پس از خروج آمریکا، این گزاره را به صورت عملی و مستند در حافظه جهانی ثبت می‌کند که ایران قابل پیش‌بینی است ولی آمریکا نه. این ثبت، در لحظه‌های بحران، وزن دارد. پایبندی ایران به توافق، به معنای پذیرش رفتار آمریکا نیست. تهران این پایبندی را نه از سر اعتماد، بلکه از سر محاسبه انجام می‌دهد. ایران می‌داند خروج آمریکا، بخشی از الگوی فشار است، همچنین می‌داند واکنش شتاب‌زده، این فشار را مؤثرتر می‌کند. بنابراین، تهران با ماندن در توافق سعی در خنثی‌سازی فشار دارد و ابتکار عمل را حفظ می‌کند. این مسیر، هزینه‌های خود را دارد، اما در ارزیابی تهران، هزینه حفظ چارچوب همچنان کمتر از هزینه فروپاشی آن است.

در ایسن راهبر، تداوم تحریم‌های نفتی و بانکی، کاهش دسترسی به منابع ارزی و فشار بر معیشت داخلی، بخشی از بهای سنگینی است که ایران در این مسیر پرداخته است. همچنین، طولانی‌شدن فرایند مذاکرات و عدم قطعیت در افق توافق، به‌مرور زمان، اقسار مختلف جامعه را با خستگی و سرخوردگی مواجه خواهد کرد. با این حال، به‌نظر می‌رسد در ارزیابی تهران، هزینه حفظ چارچوب همچنان کمتر از هزینه فروپاشی آن و ورود به یک بحران غیرقابل کنترل است. گزاره نهایی روشن است؛ ایران چارچوب را نگه می‌دارد، نه برای اعتماد، بلکه برای کنترل صحنه. آمریکا می‌تواند از توافق خارج شود؛ اما ایران معتقد است با ماندن، هزینه خروج را بر دوش واشینگتن خواهد گذاشت و مسیر خود را حفظ خواهد کرد.

صفحه ۲ از ۳

در عین حال مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی با اشاره به حملات اخیر به پل‌ها و مسیرهای ارتباطی کشور معتقد است: «این حملات را باید فراتر از یک اقدام تاکتیکی دید؛ چراکه شاید قصد آمریکا واردشدن به مرحله جدیدی از جنگ باشد و بخواهد دامنه اهداف خود را از مراکز صرفا نظامی به زیرساخت‌ها گسترش داده و در این باره قصد انتقال این پیام را داشته باشد که تهدید ترامپ مبنی بر زدن تدریجی زیرساخت‌ها جدی است». به اعتقاد او: «فعلا و در مرحله اول، نخستین هدف این حملات بر تنگه هرمز متمرکز است». در این باره احمدی توضیح می‌دهد: «پس از آنکه یادداشت تفاهم عملا از بین رفت و درگیری‌های نظامی در محدوده تنگه هرمز آغاز شد، اکنون اولویت آمریکا باید باز نگه‌داشتن این آبراه باشد. در این چارچوب، واشینگتن تلاش می‌کند توان ایران برای اعمال قدرت در تنگه هرمز را کاهش دهد». با چنین قرائتی و از دیدگاه این دیپلمات پیشین ایران: «این راهبرد صرفا به حمله به امکانات ایران برای پرتاب پهپاد و موشک محدود نمی‌شود، بلکه ظاهرا همه سامانه‌های ارادری، مراکز پایش دریایی، تجهیزات شوند و هرآنچه امکان رصد و هدف‌گیری شناورها را فراهم می‌کند نیز در کانون عملیات قرار گرفته‌اند». به تعبیر احمدی: «هدف آن است که ایران توان شلیک موشک یا پهپاد به سمت شناورهای عبوری را از دست بدهد و امکان ناامن کردن مسیر کشتیرانی محدود شود». این کارشناس حوزه بین‌الملل با اشاره به گستره جغرافیایی این راهبرد باور دارد: «اگر این تحلیل را بپذیریم، طبیعی است از چابهار تا ماهشهر، هر زیرساختی که در زنجیره پشتیبانی نظامی سواحل جنوبی قرار دارد، می‌تواند در معرض هدف قرار گرفتن باشد». احمدی در ادامه و از زاویه دیگری به حمله شامگاه پنجشنبه و بامداد روز جمعه به پل‌ها و مسیرهای مواصلاتی جنوب کشورمان می‌پردازد و آن را دارای دو کارکرد هم‌زمان می‌داند: «نخست، کاهش توان لجستیکی ایران برای انتقال نیرو، تجهیزات و جبران خسارت‌های ناشی از حملات در نوار ساحلی و دوم، افزایش فشار اقتصادی

موفق با دیدگاه‌ها رئالیست‌ها، جنگ با ذات بشر هم‌نمایی دارد؛ زیرا تاریخ بشریت همواره با جنگ عجین بوده و بین جنگ‌ها، آتش‌بس برقرار شده است (برخلاف رویکرد ایدئالیست‌ها که معتقدند جهان در صلح بوده و بین صلح‌ها، جنگ‌هایی رخ داده است). جنگ‌طلبان در عصر حاضر نیز کم نبوده و نیستند و امروز دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی وارثان جنگ‌طلبان تاریخ هستند. در این میان ایرانیان به پشتوانه تمدن چندهزار ساله و روحیه‌ای که از بطن اسلام ناب دریافته‌اند، تاکنون در مقابل جنگ‌طلبی قدرت‌های استکباری مقاومت کرده‌اند و ندای مقاومت آنها جهان‌گستر شده است. جمهوری اسلامی ایران به پشتوانه روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان، وحدت دولتمردان و ملت، حلول پیام رهبری شهید در ایله‌های سیاسی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری هوشمندانه در صنایع موشکی و بهره‌مندی از مزیت جغرافیایی تنگه هرمز تاکنون توانسته است دشمنانش را از تحقق اهداف نظامی‌شان باز دارد اما دیدبانی رفتارها و سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد آتش‌بس میان ایران و آمریکا طی ماه‌های آینده بس شکننده است. وجود این وظیفه ذاتی سیاست‌مداران ممانعت از وقوع جنگ از طریق دیپلماسی و پیگیری منافع و مصالح جمعی در بطن چانه‌زنی مبتنی بر اهرم‌های قدرت با رقیبا و متخاصمان است. در این یادداشت به پیشران‌هایی اشاره می‌شود که برخی پیشران جنگ را تقویت و برخی دیگر پیشران توافق را تقویت می‌کنند. ناگفته وظیفه سیاست‌مداران مشخص است که ضرورتا باید پیشران‌های جنگ را تضعیف و پیشران‌های توافق مبتنی بر منافع ملی را تقویت کنند. پیشران نخست توان بازدارندگی ایران است. ایران به پشتوانه چهار مؤلفه یعنی «توان موشکی؛ اراده و ایمان نیروهای نظامی، وحدت ساحات سیاسی، نظامی و مردمی و بهره‌مندی از مزیت جغرافیایی» توانست در بعد آفندی و دفاع از سرزمین خود شوگفتی بیافریند و دشمن را به عقب براند؛ نکته‌ای که دوست و دشمن به آن اعتراف کردند. علاوه بر اعتراف نخبگان و تحلیلگران برجسته مبنی بر پیروزی ایران در جنگ، کافی است اهداف اعلام‌شده دشمن در آغاز جنگ و ارزیابی‌ی پایانی آنها پس از آتش‌بس را بررسی کنیم تا این گزاره علمی تأیید شود که «دشمن در تحقق اهدافش با حمله نظامی

بر کل ایران و مردم». در پیوست نکته مذکور، این دیپلمات اسبق کشورمان توضیح می‌دهد: «به تصور آمریکا، همچنین تخریب پل‌ها، راه‌آهن و مسیرهای ارتباطی می‌تواند انتقال کالا از بنادر جنوبی به سایر نقاط کشور را مختل کند. در شرایطی که محاصره دریایی نیز در جریان است، این اقدامات می‌تواند موجب فشار اقتصادی بیشتر شود و آثار آن فقط محدود به میدان نظامی نباشد». احمدی همچنین احتمال داد: «هدف حمله یک هفته قبل آمریکا به دو پل مواصلاتی در شمال کشور و مشخصا حمله به دو پل در نزدیکی آق‌قلا می‌تواند ارسال یک پیام باشد». به اعتقاد او: «این حملات می‌تواند هشداردی نسبت به آسیب‌پذیری کریدورهای تجاری ایران، از جمله مسیر اوراسیا، چین و اروپا باشد؛ موضوعی که در صورت تداوم، مشکلات اقتصادی کشور را گسترده‌تر خواهد کرد». در کنار این اهداف، دیپلمات اسبق کشورمان احتمال یک سناریوی دیگر را نیز مطرح می‌کند، هرچند آن را در مقطع کنونی ضعیف می‌داند و آن اینک: «بحث‌هایی درباره احتمال پیاده‌سازی نیرو در بخش‌هایی از سواحل جنوبی یا برخی جزایر مطرح شده، اما تاکنون نشانه‌ای قانع‌کننده مبنی بر اینکه آمریکا قصد اشغال بخشی از سرزمین ایران را داشته باشد، مشاهده نمی‌شود». از دید او: «اگر هم چنین سناریویی مطرح باشد، صرفا می‌تواند در چارچوب همان هدف محدود کنترل تنگه هرمز تعریف شود». احمدی در این زمینه به «موقعیت راهبردی جزیره تنب بزرگ» اشاره و موضوع را این‌گونه تشریح می‌کند: «تنب بزرگ به تنگه هرمز بسیار نزدیک است و ممکن است این تصور وجود داشته باشد که بخشی از توان ایران برای هدف قراردادن شناورها از آن منطقه تأمین می‌شود. از این رو، حمله به این جزیره یـا حتی تلاش برای استقرار محدود نیرو در آن، صرفا در راستای کنترل تنگه هرمز قابل تحلیل است». با این حال، تحلیلگر حوزه سیاست خارجی تأکید دارد: «اشغال هر بخش از خاک ایران با مخاطرات نظامی فراوانی برای آمریکا همراه خواهد بود». به گفته احمدی: «هر نیرویی که در چنین مناطقی مستقر شود، در معرض حملات

# جغرافیای تازه جنگ

موشکی و پهپادی از عمق سرزمین ایران قرار می‌گیرد و همین مسئله تلفات را برای آمریکا بسیار بالا می‌برد». احمدی در پاسخ به این پرسش که اگر تهران همچنان به مقاومت ادامه دهد، آیا امکان حرکت واشینگتن به سمت سناریوی رادیکال‌تر و نهایتا «تغییر نظام» وجود دارد، پاسخ «منفی» می‌دهد و تصریح می‌کند: «من فکر نمی‌کنم تغییر نظام در دستور کار دولت ترامپ باشد. دست‌کم اقدامات و اهدافی که تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند». لذا او یادآور می‌شود: «عملیات نظامی آمریکا همچنان عمدتا در سواحل جنوبی متمرکز است و در این مرحله هنوز اقدامی با هدف تهدید مراکز سیاسی، نهادهای حکومتی یا شخصیت‌های ارشد کشور دیده نمی‌شود؛ اقداماتی که اگر هدف تغییر رژیم بود، انتظار می‌رفت در دستور کار قرار گیرد». احمدی البته میان «فشار برای تغییر رفتار» و «تغییر رژیم» تفاوت قائل می‌شود و به اعتقاد او: «تشدید فشارهای اقتصادی و نظامی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی در داخل کشور داشته باشد، اما این امر لزوما به معنای اجرای پروژه مستقیم تغییر حکومت از سوی آمریکا نیست». دیپلمات پیشین کشورمان این را هم خاطرنشان می‌کند: «هرگونه فشار خارجی می‌تواند ناراضیانی‌های داخلی را تشدید کند، همان‌گونه که تحریم‌ها نیز چنین آثاری داشته‌اند. اما وقتی از تغییر نظام صحبت می‌کنیم، منظور اقدام مستقیم و عملیاتی یک قدرت خارجی برای براندازی حکومت است؛ مشابه آنچه در عراق سال ۲۰۰۳ یا افغانستان رخ داد و من در شرایط فعلی چنین نشانه‌ای برای ایران نمی‌بینم». این کارشناس در جمع‌بندی میانی تحلیلی‌اش تأکید می‌کند: «راهبرد کنونی آمریکا را باید در چارچوب یک هدف محدود، اما مهم بررسی کرد که به نظر می‌رسد مسئله اصلی برای واشینگتن، بازنگه‌داشتن تنگه هرمز است؛ موضوعی که برای دولت ترامپ نیز جنبه حیثیتی پیدا کرده است. اگر هم اقداماتی در برخی جزایر یا سواحل جنوبی صورت گیرد، احتمالا با همین هدف خواهد بود، نه با هدف اشغال بلندمدت سرزمین یا اجرای پروژه تغییر رژیم».

## پیشران‌ها وتوصیه‌ها برای ماه‌های پیش‌رو

هم‌زمان مداخله مثبت چین و روسیه به نفع ایران و چانه‌زنی احتمالی آنها با آمریکا می‌تواند توافقی با ایران را تسهیل کند. پیشران دهم، زدوخوردهای حین آتش‌بس است که این روزها شاهد آن هستیم. این نوع از برخوردها (به همراه خطای محاسباتی) می‌تواند به‌راحتی از کنترل خارج شود و زمینه جنگی کنترل‌نشده را فراهم کند. براساس پیشران‌های تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده جنگ، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

- «ادراک‌سازی امنیت برای همه یا برای هیچ‌یک»: از طریق حفظ توان بازدارندگی ایران و محاسبات دقیق در زد و خوردهای پیش‌رو به‌گونه‌ای که به جنگ مجدد منجر نشود.
- «ادراک‌سازی توسعه برای همه یا برای هیچ‌یک»: از طریق engagement ایران در نظم در حال شکل‌گیری منطقه‌ای؛ نقطه شروع این ادراک‌سازی در توافق پیش‌رو بروز و ظهور می‌یابد.
- «الگوی انسداد در جنگ و رفع انسداد در صلح برای تنگه هرمز»: انسداد تنگه هرمز هنگام درگیری‌ها و بازکردن تنگه در شرایط عادی؛ مشروط به رفع محاصره دریایی ایران و منع رفت و آمد برای کشتی‌های رژیم صهیونیستی.
- تقویت نقش چین و روسیه در مذاکرات پیش‌روی ایران و آمریکا (مداخله مثبت چین و روسیه).
- فعال‌سازی و تقویت نقش ترکیه، عمان، عراق، مصر و عربستان در مذاکرات پیش‌روی ایران و آمریکا.
- مدیریت تعارض منافع یا شورای همکاری خلیج فارس در مسئله تنگه هرمز و تلاش برای تعریف منافع مشترک.
- فعال‌سازی دیپلماسی مسیر دو track2 در کنار دیپلماسی رسمی در قبال کشورهای عربی.
- فعال‌کردن دیپلماسی عمومی در کشورهای اسلامی به منظور بهره‌مندی از افکار عمومی کشورهای اسلامی.
- اجماع‌سازی در داخل ابتدا در سطح نخبگان و تصمیم‌سازان و سپس در سطح مردمی به منظور ضرورت تغییر برخی از سیاست‌های داخلی و خارجی پس از جنگ.
- میانجیگری میان دولت لبنان و حزب‌الله به‌منظور رسیدن به فرمول همکاری متقابل در قالب نیروهای مسلح لبنان با حفظ هویت مقاومت حزب‌الله (تقسیم نقش در مناطق لبنان).



سیدمحمد حسینی

سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

با آمریکا و تشدید شرایط وخیم اقتصادی، پیشران‌های قوی برای تداوم جنگ خواهند بود. پیشران ششم تعویق موقت جنگ با هدف ارزیابی شرایط ایران است. مزیت شرایط «نه جنگ نه صلح» برای آمریکا و اسرائیل؛ تعویق جنگ برای بازآیابی نیروهای نظامی و شناسایی اهداف جدید داخل ایران؛ تعویق جنگ برای کنترل و کاهش قیمت نفت و تمهید برای جایگزین‌کردن صادرات انرژی از مسیر غیر تنگه هرمز؛ تعویق جنگ برای برگزاری جام جهانی فوتبال وجود همه تمایزات و اختلافات هنگام حمله خصم خارجی در دفاع از موجودیت خود با قدرت عمل می‌کند». به نظر می‌این ادراک مهم محصول عملکرد مشعشع ایران در جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه رمضان است و طی دو ماه آینده نیز «پیشرانی کلیدی» محسوب می‌شود. پیشران دوم فشار افکار عمومی در داخل آمریکا، در سطح بین‌المللی و در دولت‌های اسلامی است. این پیشران هرچند قوی نیست اما در کنار سایر مؤلفه‌ها می‌تواند مانع از تداوم جنگ علیه ایران شود. پیشران سوم فشار دولت‌های عربی منطقه به آمریکا و اسرائیل است که علامتی از توقف جنگ و پیشرانی برای رسیدن به توافق با ایران خواهد بود. پیشران چهارم زنجیره تخاصمات علیه ایران است که تقویت‌کننده جنگ محسوب می‌شود که در راس آنها خصومت ذاتی صهیونیست‌ها با ایران و طلایی فرض‌کردن شرایط کنونی خواهد بود. زنجیره‌ای که حلقه‌های آن از درون دولت ترامپ تا کنگره و از کنگره تا درون رژیم صهیونیستی را در بر می‌گیرد. فراموش نکنیم راهبرد دفاعی اسرائیل تا پیش از جنگ ۱۲روزه حمله پیش‌دستانه به تهدیدها در محیط پیرامونی» بود. پس از هفتم اکتبر این راهبرد به «حمله پیش‌دستانه به میدا تهدیدها» تغییر یافته است. بر این اساس «احتمال حمله اسرائیل به ایران در خین مذاکرات» پیشرانی است که با توجه به تجربه مذاکرات پیش از جنگ ۱۲روزه و پیش از جنگ رمضان، نمی‌توان مطلقا آن را نادیده گرفت. پیشران پنجم، بحران‌های اقتصادی داخلی ایران است. تشدید بحران‌های اقتصادی، شکاف احتمالی حاکمیتی در قبال مذاکرات



شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند (سهامی عام)

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد خدمات موضوع صدراالاشاره را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای مطابق اسناد مناقصه به سازنده واجد شرایط واگذار نماید. شرکت‌های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند به آدرس **WWW.IKORC.IR** مراجعه نمایند.

**۱- موضوع مناقصه :**  
**(الف) شرح مختصر:**

| ردیف | شماره مناقصه | موضوع مناقصه    | مدت        | مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال) |
|------|--------------|-----------------|------------|----------------------------------|
| ۱    | MC05/15      | ساخت ظرف 1294-V | یکسال شمسی | ۱,۶۶۱,۴۰۰,۰۰۰                    |

**ب) تضمین مورد قبول شامل :** ضمانتنامه بانکی / واریز وجه نقد / چک تضمینی بانکی/ چک بین بانکی .  
**ج) مناقصه گزار** در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.  
**۲- اشخاص واجد شرایط** میتوانند ، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه بر اساس تاریخ های مندرج بشرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و طبقه بندی شده بشرح مصرحه در فرم ارزیابی کیفی در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آگهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکت‌های واجد شرایط تایید شده جهت ادامه فرآیند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

**۳- مهلت ارسال تقاضا (اعلام آمادگی)و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:**

**۱-۳- مهلت ارسال تقاضا (اعلام آمادگی)و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی :** از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳  
**۲-۳- آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی:** روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷  
**۳-۳- تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متقاضی اعلام می گردد.**

**۴) نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند واقع در استان مرکزی- اراک- کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی-طبقه سوم- امور پیمان‌ها- شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۴۹۱۰۹۳ -شماره نمابر ۰۸۶-۳۴۱۶۶۰۸۴

**روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند**

**روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند**